

ایلیا موسایی| مرد یک بطری آب معدنی کوچک را می گذارد کنار دستش روی میز. می خندد و سر تکان می دهد. خنده تلخی دارد. می گوید: «شیفت شب بودم. یهو زنگ زدن واعزام شدیم. وقتی رسیدیم، دیدیم یه کامیون تو کوچه هشت متری اومده پراید روزبر گیرفته. له لولورده اش کرده ناجور. پراید پارک بود و از این روکشای راه راه داشت. حالا قضیه چی بود که زنگ زده بودن آتش نشانی؟! از زیر پراید له شده خون زده بودبیرون. ما مونده بودیم بودیم بنزین! دیدیم نه واقعاً خونه. یکی از بچه ها گفت شاید گربه رفته توی موتور ماشین وموقعی که کامیون پرایدو له کرده این بدبخت هم شکست شده. دیدیم لکه خون بزرگ تر از این حرفاست. خون ده تا گربه هم این قدر نمی شد. حالا اینا به کنار معلوم شد کامیون رو ندنده خلاص بود وتوی شیب کوچه راه افتاده ... یه وضعی بود.»

پراید له شده بود ولی دردگیرش فوق بوق صدا می داد. راننده کامیون رو پیدا کردیم و از روی پراید اومد کنار. «نیغه بینی اش را باداوانگشت می مالد؛ بعضی وقتا می گم من چه جوری دارم تحمل می کنم وادامه می دم. روکش رو که دادیم کنار. دیدیم یه زن ومرد توی ماشین بودن. دیگه سپردیم به بچه های نیروی انتظامی برای شناسایی واین حرفا. یکی شون ازرقفاست.» «شب خبر داد؛ زنه شوهر داشته ومرده. هم زن داشته ومهم بچه. داشتن خیانت می کردن. آدم می مونه بخنده. گربه کنه. بترسه. حاله به هم خورده از این چیزا.» زل می زند به کسی که پشت دوربین است. گوش می دهد. حرف های آدمی که پشت دوربین است شنیده نمی شود. مرد آب می خورد. می گوید: «فایده نداره. اوضاع خراب تر از ایناست.» یک قلپ دیگر آب می خورد.

تصویر یک لحظه برفکی می شود ولحظه بعد سیاه. مرد بالیاسی دیگر توی تصویر است؛ یک پیراهن سفید وحالا کلاهی با چهارخانه های ریز به سر دارد. می گوید: «من اصلا خوب می شم؟ همه ماه گذشته رو کابوس دیدم.» به آدم پشت دوربین گوش می دهد. بعد می گوید: «پیرمرده بدجور سوخته بود. ولی زنده بود. کولش کردم دم گوشم هی می گفت منو بذار زمین من موندنی نیستم. بعد ساکت شد. سکوتش که طولانی شد فکر کردم مرده. داشتیم به خروجی می رسیدیم ها! یهو برگشت گفت دلم نمی خواد زنده بمونم. انگار حرف منو زده بود. یه لحظه یه جوری شدم. یه حالی شبیه مومرو. فکر می کردم از آسمون داره سنگ جهنم می باره ومن توی تیررس همه شونم. به پیرپیرمده گفتن منم دلم نمی خواد. نگو همون لحظه تموم کرده بود. جوابمو نداد. توی دود وحرارت در خروجی نورانی بود. همون جا با خودم فکر کردم شاید دارم ناشکری می کنم. نمی دونم. از در که اومدم بیرون تازه فهمیدم پیرمرد مرده. آن قدر گریه کردم که همکارام حس کردن طبیعی نیست. گریه به بند نمی اومد. بچه ها مستقیم منو رسوندن خونه. گفتن لازم نیست شیفت رو کامل وایسی. دیگه دلم نمی خواد برگردم ایستگاه. الان سه روزه که نرفته ام. جواب تلفناشونم ندادم.» پیشانی اش راتکیه می دهد به کف دستش. تصویر قطع می شود.

استاد می گوید: «یکی چراغا وروروش کنه.» سالن درنور ملایم پروژکتورها روشن می شود. دانشجوها نصفه نیمه از جایشان بلند می شوند. استاد می گوید: «همه بشینین. این نمونه ای که دیدین فقط تا همین جا فیلم برداری شده. دو هفته وقت می دم. تو قالب گزارش تحلیلی می تونید از هر زاویه ای به سوژه نگاه کنید. سرفصلایی که تا اینجا داشتیم؛ فوبیا، وسواس فکری ونشخوار فکری، افسردگی وتروما می تونید روی همین کار کنید. سؤال نپرسید که پاسخگو نیستم. اگر با دقت گوش داده باشید، مطمئنا سؤالی هم ندارید.» به عادت همیشه. دفتر جلد گالینگورش را باصدا می بندد وبی اینکه به کسی نگاه کند، می رود. روی پرده پروژکتور هنوز سایه ای از آخرین تصویر مرد باقی مانده است، مردی که نه کسی می شناسد ونه کسی می داند که زنده است یانه. یا اصلا توانسته خودش را خوب کند یانه...

پایان

زنان سارق مسافر نما در دام پلیس



دنداناساز متهمانی که به عنوان مسافر وارد یک هتل آپارتمان شده و از این محل سرقت کرده بودند، به دام قانون افتادند. این یازدهمین سرقت دو زن و مرد جوانی بود که به جز سرقت از هتل، سابقه دزدی از لوازم داخل خودروها را نیز داشتند، اما این بار با تلاش مأموران کلانتری بانوان مشهد، هر سه متهم شناسایی و دستگیر شدند و به یازده فقره سرقت اعتراف کردند. به گفته جانشین فرمانده انتظامی مشهد، در پی گزارش شهروندان از سرقت در یک هتل آپارتمان در محدوده بولوار مصلی، بلافاصله گروهی از مأموران کلانتری بانوان برای بررسی موضوع به محل اعزام شدند.

سرهنگ عباسعلی دهقانی افزود: با حضور عوامل انتظامی، مشخص شد دو زن و مرد جوانی که در این محل اتاقی اجاره کرده بودند، از غفلت متصدی هتل سوء استفاده می کنند و به محل سکونت این فرد وارد می شوند و ۴۰ میلیون ریال لوازم باارزش او را سرقت می کنند، سپس بدون پرداخت اجاره از محل متواری می شوند. اما مأموران دایره تجسس کلانتری بانوان با استفاده از تصاویر به دست آمده از متهمان، تحقیقات گسترده ای را آغاز و متهمان را در یکی از مناطق مشهد ردزنی می کنند. سپس در اقدامی ضربتی و غافل گیرانه با همکاری مأموران تیمی از پلیسی آگاهی پایگاه ثامن، این سه فرد دستگیر می شوند.

این مقام انتظامی بیان کرد: در این عملیات، یک دستگاه سواری پراید ۱۱۱ سرقتی از پارکینگ محل اختفای متهمان کشف شد. همچنین چهار کیف پول حاوی مدارک هویتی و دو دستگاه تلفن همراه همراه سرقتی نیز کشف و ضبط شد. متهمان در بازجویی ها علاوه بر سرقت از هتل آپارتمان و خودرو پراید، به ۹ فقره سرقت لوازم داخلی خودرو نیز اعتراف کردند. متهمان پس از تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شدند.

گوشواره های مرغ زیر دندان شهروندان!

ماجرای کشف هزاران کیلو گوشت فاسد، شبکه سلامت مشهد را شوکه کرد



کشفیات پلیس از محل دیوی گوشت های فاسد

این کارگاه غیرمجاز، با تبلیغات گسترده از طریق یک کانال تلگرامی مبنی بر توزیع گوشت چرخ کرده ارزان، سود هنگفتی را با به خطر انداختن سلامت شهروندان به جیب زده اند. به گفته فرمانده انتظامی مشهد، تاکنون یک متهم بیست و هشت ساله در این پرونده دستگیر شده است که هیچ سابقه کیفری ندارد. سرهنگ احمد نگهبان ادامه داد: تحقیقات برای شناسایی دیگر زوایای پنهان این پرونده و شناسایی و دستگیری هم دستان متهم ادامه دارد.

خبر

دستگاه خودرو وانت پیکان به علتی نامعلوم به داخل دره سقوط کرد و واژگون شد. این حادثه رانندگی ۹ مصدوم داشت که با سه دستگاه آمبولانس و یک اتوبوس آمبولانس به بیمارستان طالقانی انتقال داده شدند. وی ادامه داد: عصر دیروز سومین حادثه در جاده فریمان به مشهد، ترسیده به روستای فرهادگرد رخ داد. در این سانحه رانندگی یک دستگاه خودرو سواری پژو ۲۰۶ از جاده منحرف و واژگون شد. پنج مصدوم این حادثه جاده ای نیز با دو دستگاه آمبولانس به بیمارستان حضرت زهر(ع) در فریمان منتقل شدند.

قرآنی ادر پی وقوع سه حادثه جاده ای دیروز، هفده نفر زخمی و روانه بیمارستان شدند.

به گفته مدیر روابط عمومی اورژانس مشهد، اولین حادثه صبح دیروز در محور چناران به مشهد رخ داد که در آن یک دستگاه خودرو سواری مگان دچار سانحه و در مسیر واژگون شد. در این حادثه رانندگی سه نفر مصدوم شدند که با آمبولانس ۱۱۵ به مرکز درمانی انتقال یافتند.

محمد علیشاهی افزود: دومین حادثه اما در جاده مشهد به کلات، ترسیده به روستای گوجگی رخ داد. در این سانحه رانندگی یک

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

یکی از روستاهای اطراف مشهد، پیش از اینکه توجه نیروی انتظامی و کارشناسان بهداشتی را به خود جلب کند، توجه شهروندان را به همراه داشت تا جایی که شهروندی در تماس با پلیس ۱۱۰ اعلام کرد که در همسایگی باغ ویلایشان واقع در جاده روستای شیرحصار، تقریباً هر روز وانت نیشان های یخچال دار مقابل ویلایی می ایستند و پس از بارگیری بسته هایی مشکوک آنجا را ترک می کنند.

مشکوک بودن موضوع موجب شد سرهنگ احمد نگهبان، فرمانده انتظامی مشهد، مأموران پاسگاه سلطان آباد را برای رسیدگی به این گزارش مأمور کند.

● تحقیقات نامحسوس از جرمی محسوس تحقیقات نامحسوسی درباره این موضوع و باغ ویلا آغاز شد. مأموران با رصد های میدانی متوجه شدند که افرادی درون این چهار دیواری گوشت های غیر بهداشتی تهیه و توزیع می کنند.

گروه رسیدگی کننده پرونده برای محکم کاری، مستندنگاری کرد تا هیچ جای شک و شبهه ای در این میان باقی نماند. هم زمان نیز با توجه به سلامت شهروندان، بلافاصله موضوع به شبکه بهداشت و جهاد کشاورزی گزارش داده شد و بازرسانی برای بررسی میدانی وارد عمل شدند.

محمد جواد ابوعطا

گزارش

زود یک تنه در کارگاهی مخفیانه، اقداماتی شوروانه را مدیریت می کرد که تاوان آن را شهروندان با ازدست دادن سلامتشان خواهند داد. جوان بیست و هشت ساله مدعی بود که او را اشتباهی گرفته اند و فقط یک فعال اقتصادی است که برای افشار فروش دست جامعه اقدامات انسان دوستانه انجام می دهد. اما واکاوی فهرست مشتریانش نشان داد که منظورش از افراد فرودست، همان مالکان متخلف فروشگاه های بزرگ مواد پروتئینی و رستوران ها هستند. او وقتی دید حنایش رنگی ندارد، باز مدعی شد که این کارها را قانونی انجام داده است، اما با زرس های بهداشتی و سازمان جهاد کشاورزی آب پاکی روی دستش ریختند. هم زمان با دستگیری این فرد، از باغ ویلایی که او در آن فعالیت می کرد، هزاران کیلو گوشت چرخ کرده فاسد و غیر قابل مصرف که آماده توزیع روزانه در بازار بود، کشف و ضبط شد.

● یک تماس هوشمندانه

ماجرای مشکوک توزیع مواد پروتئینی در

کوچک زاده پنجشنبه گذشته دو حادثه خودکشی که هر دو به دلیل اختلافات خانوادگی اتفاق افتاده بود، به مرکز فوریت های پلیس ۱۱۰ گزارش شد.

در حادثه اول، پیدا شدن جسد پسر جوانی در یک مغازه، گروه تحقیقات جنایی را به هسته مرکزی مشهد کشاند. این گروه با دستور قاضی محمود عارفی راد، با پسر ویژه قتل عمد دادسرای عمومی و انقلاب ناحیه ۲ مشهد، در محل حادثه حاضر شدند و با جسد پسر ی بیست و دوساله که خودش را در محل کارش حلقی آویز کرده بود، روبه رو شدند. بررسی ها و تحقیق اولیه گروه جنایی نشان می داد مرد جوان به دلیل اختلافات خانوادگی دست به

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر

خبر